

# دلالان در رویای بازگشت به قیمت گذاری دستوری



## عملیات نجات ذخایر ارزی

اصغر شاهمرادی

در یک دسته‌بندی کلی، می‌توان کشورها را به دو دسته تقسیم کرد؛ کشورهایی که صادرات یک‌ساله آنها بیشتر از وارداتشان است (مازاد تراز جاری) و کشورهایی که واردات بیشتری از صادرات دارند (کسری تراز جاری). اگر کشوری کسری تراز جاری داشته باشد، باید این کسری را از جایی تامین کند. سه راه اصلی برای جبران این کسری وجود دارد: استقراض از خارج، ورود پول و سرمایه از خارج یا استفاده از منابع بانک مرکزی.

بسیاری از کشورها به تجربه و با پرداخت هزینه‌های زیاد این یادگیری را داشته‌اند که بدترین روش برای جبران کسری تراز جاری، استفاده از ذخایر بانک مرکزی است. اما چرا کشوری مجبور به استفاده از ذخایر بانک مرکزی می‌شود، از گزاره بالا می‌توان دلیل را به راحتی حدس زد. اگر کشوری نتواند قرض کند یا پول و سرمایه خارجی وارد نشود، به هر حال باید به طریقی کسری را جبران کرد و راهی نمی‌ماند مگر اینکه از ذخایر بانک مرکزی استفاده شود. ولی تا کجا می‌توان این راه را ادامه داد؟ مگر می‌شود هر سال کسری داشت و هر سال از ذخایر استفاده کرد؟ بدیهی است این روش را تا زمانی می‌توان ادامه داد که ذخایر به اتمام نرسیده باشند. پس این روش نهایتاً منتهی به کوچکی یا بن بست است. باید چاره‌های اندیشید و کسری تراز جاری را برطرف کرد. اینجاست که سیاست اقتصادی صحیح را می‌توان پیدا کرد. راه از بین بردن کسری، افزایش صادرات و کاهش واردات است. برای این کار دو راه وجود دارد. به صورت کنترلی جلوی واردات را گرفت و به صادرکننده نیز انواع و اقسام سوبسیدها را داد تا صادرات قوت بگیرد. بدیهی است این راه چندان موفق نخواهد بود و همان‌گونه که بن بست بار دیگر سر راه سیاست‌گذار پیدا خواهد شد. چرا که کنترل واردات تا آستانه‌ای ممکن است و از آنجا بعد قاچاق و فساد کار خود را خواهد کرد. صادرات را نیز با سوبسید و دوپینگ تا حدودی می‌توان افزایش داد؛ ولی به هر حال هزینه سوبسید را نیز باید کسی بدهد و آن کس هم جز دولت و نهایتاً مردم نیست. اما چه باید کرد؟ نتایج ممکن، افزایش قیمت واردات و کاهش هزینه صادرات است و این به دست نمی‌آید مگر با اصلاح نرخ ارز. در واقع دلیل اصلی کسری تراز جاری، درست نبودن نرخ ارز است و اگر کشور به منابع خارجی دسترسی نداشته باشد، بانک مرکزی باید از منابع خود کسری را جبران کند. اما بانک مرکزی می‌تواند این چرخه باطل را اصلاح کند، به این طریق که اجازه دهد نرخ ارز در بازار (صادرات و واردات) تعیین شود. در واقع بانک مرکزی باید اجازه دهد قیمت ارز چنان اصلاح شود که تراز جاری از کسری خارج شود، در این صورت هزینه کسری تراز جاری را از منابع خود نداده است و دقیقاً توانسته است کاری کند که کشور از آسیب پذیری (کاهش ذخایر) نجات یابد.

اما گزاره‌های بالا چه دردی از اقتصاد مادرمان می‌کند؟ شنیده‌ایم که بسیاری می‌گویند که کشور مازاد تراز تجاری دارد! بله، این گزاره تنها زمانی درست است که نفت را در صادرات محاسبه کنیم. این در واقع همان جایی است که بسیاری از کشورهای صادرکننده نفت در «تله» می‌افتند. این کشورها چون در آمد صادراتی نفت دارند، خود را ثروتمند می‌دانند و اوضاع را بر وفق مراد، تا جایی که چندان اهمیتی به نرخ ارز و منابع بانک مرکزی و پول و سرمایه خارجی نمی‌دهند. بی‌محابا وارد می‌کنند (واردات ارزان، چون نرخ ارز ارزان است) و به صادرات غیر نفتی اهمیت نمی‌دهند (چون ششیر نفت باز است). اما داستان آنجا غمناک می‌شود که قیمت نفت سقوط می‌کند یا تولید نفت کاهش می‌یابد یا مثل کشور ما، شرایط تحریم، عرصه را بر صادرات نفت تنگ می‌کند. اینجاست که تراز جاری غیر نفتی (کسری صادرات غیر نفتی از واردات) معنی پیدا می‌کند. اگر این تراز منفی باشد (که برای ما منفی است) و اگر پولی از خارج نیاید و بانک مرکزی نیز نرخ ارز را اصلاح نکند، منابع بانک مرکزی تحلیل می‌رود و اوضاع اقتصادی آشفته می‌شود. پس علم اقتصاد، همان عقل سلیم اقتصادی، توصیه می‌کند که بانک مرکزی اساساً در نرخ ارز دخالت نکند (به هیچ طریقی) و اجازه دهد که نرخ ارز در بازار و در تبادل بین صادرکنندگان و واردکنندگان تعیین شود.



مهدی الیاسی، روزنامه‌نگار

حافظه تاریخی فعالان اقتصادی از یاد نبرده است که پیش از تاسیس بورس کالا و پیش از جدی شدن این نهاد در اقتصاد ایران، قیمت گذاری محصولات فلزی در چنبره اقتصاد دولتی قرار داشت و به صورت دستوری تعیین می‌شد. این موضوع مانند تمام موارد مشابه در قیمت گذاری دستوری دولت، به منشاء رانت تبدیل شده بود.

## دلالان در رویای بازگشت به قیمت گذاری دستوری

ریشه این رانت در انحراف و اختلافی است که همواره میان قیمت دستوری دولتی و قیمت بازار وجود دارد. از سوی دیگر معمولاً قیمت دستوری دولت در ابتدای سال اعلام شده و این قیمت باید تا انتهای سال توسط تولیدکنندگان رعایت می‌شود. چون در قیمت دستوری، نوسانات قیمت بازار در طول سال دیده نمی‌شود. عموماً قیمت بازار بالاتر از بهای ابلاغی توسط دولت در ابتدای سال است.

این فاصله قیمت میان قیمت رسمی و قیمت واقعی به یک رانت دلالی بدل شد که نصیب متقاضیان

در کشور معمولاً نرخ ارز بدون توجه به تورم سالانه، برای چند سال به صورت دستوری، حول و حوش یک عدد، ثابت نگه داشته می‌شود. اما از آنجا که بارها ثابت شده شاخص‌های اقتصادی، دستورپذیر نیستند، قیمت دلار نیز اثرات سرکوب‌انباشته در طی چند سال را در یک مقطع زمانی خاص، با جهش ناگهانی نشان می‌دهد.

صوری محصولات فلزی می‌شد. با تاسیس بورس کالا این رانت از میان رفت. زیرا قیمت دستوری سالانه حذف و قیمت محصولات فلزی بر مبنای عرضه و تقاضا بازار صورت گرفت. در واقع بورس کالا به محلی برای کشف قیمت تبدیل شد. امری که قاعده بازار و مبتنی بر نوعی دموکراسی اقتصادی است. کشف قیمت در بورس کالا مبتنی بر مکانیسمی پیچیده است که این فرایند بر مبنای قواعد جهانی کشف قیمت در بورس کالا صورت می‌گیرد. طبیعتاً در بورس کالا چیزی

تحت عنوان قیمت گذاری دستوری سالانه وجود ندارد. قیمت‌ها به صورت هفتگی و روزانه متغیر است زیر میزان تقاضا و نیاز در فصول مختلف به صورت هفتگی و روزانه تغییر می‌کند و در نوسان است.

## هیاهو برای رانت

طبیعی است در شرایط جدید و با وجود بورس کالا، متقاضیان محصولات فلزی و از جمله ورق فولادی که رانت اختلاف قیمت دستوری و قیمت واقعی بازار را از کف داده بودند از شرایط تازه مکرر و آشفته باشند. این آشفستگی در سال‌های اخیر به طرق گوناگون متجلی شده است. از جمله‌های گوناگون و پر حجم به تولیدکنندگان محصولات فلزی و فولادی گرفته تا زیر سوال بردن ساختار مدیریتی و اداره بورس کالا. در واقع ریشه این هیاهوها را باید در، از بین رفتن رانت اختلاف قیمت دستوری و کشف قیمت در بورس کالا بر اساس قواعد عرضه و تقاضا، جست‌وجو کرد.

مهم‌ترین تجلی این کوشش‌ها برای بازگرداندن اقتصاد ایران به دوران قیمت گذاری دستوری، موفق شدن فضا را تا حدی به سود خود تغییر داده و شورای رقابت را وارد فرایند قیمت گذاری دستوری اقتصاد ایران به فضای غیر دستوری

ریشه این رانت در انحراف و اختلافی است که همواره میان قیمت دستوری دولتی و قیمت بازار وجود دارد. از سوی دیگر معمولاً قیمت دستوری دولت در ابتدای سال اعلام شده و این قیمت تولیدکنندگان رعایت می‌شد. چون در قیمت دستوری، نوسانات قیمت بازار در طول سال دیده نمی‌شود. عموماً قیمت بازار بالاتر از بهای ابلاغی توسط دولت در ابتدای سال است

تاسیس شده است به عاملی برای قیمت گذاری دستوری تبدیل شود. فرمول نویسی شورای رقابت این دلالان که تحت عنوان مصرف‌کنندگان ورق‌های فولادی فعالیت می‌کنند با فشار و پروپاگاندای رسانه‌ای علیه تولیدکنندگان محصولات فولادی و بورس کالا، موفق شدند فضا را تا حدی به سود خود تغییر داده و شورای رقابت را وارد فرایند قیمت گذاری دستوری کردند.

این در حالی است که سهم هیچ کدام از تولیدکنندگان فولاد کشور بالای ۵۰ درصد نیست. یعنی عملاً انحصاری وجود ندارد. دلالان اما با استناد به حجم تولید یک محصول فولادی خاص در یک بازه زمانی خاص، مدعی شدند یک شرکت تولیدکننده فولاد بالای ۵۰ درصد بازار را در اختیار دارد و در نتیجه باید شورای رقابت به قیمت گذاری محصولات فولادی ورود کند.

سرانجام رایزنی این عده، نتیجه داد و شورای رقابت نیز پذیرفت که در بازگشتی به گذشته و با نوعی قیمت گذاری دستوری، شورای رقابت فرمولی برای تعیین قیمت محصولات فولادی در بورس کالا تعیین کرد.

## قیمت سرکوب شده دلار و کم حواسی فرمول نویسان

قیمت دلار در یک ماه اخیر شروع به بالا رفتن کرد. زمانی که دلالان و خریداران ورق‌های فولادی با شورای رقابت در حال فرمول نویسی برای تعیین قیمت محصولات فولادی بودند در تعیین نرخ دلار در فرمول خود به این نکته توجه نکردند که قیمت دلاری که در بازار وجود دارد نرخ واقعی ارز نیست و در واقع قیمتی سرکوب شده است. سرکوب دستوری نرخ ارز در ایران به سنت همه دولت‌ها

مهم‌ترین تجلی کوشش‌ها برای بازگرداندن اقتصاد ایران به دوران قیمت گذاری دستوری، در دست به دامن شدن دلالان محصولات فلزی و فولادی به شورای رقابت بود تا این شورا که به قصد گذار اقتصاد ایران به فضای غیر دستوری تاسیس شده است به عاملی برای قیمت گذاری دستوری تبدیل شود

تبدیل شده است و تاثیر مخرب قیمت دستوری دلار بر تولید و صادرات و واردات، بر اهل فن، کارشناسان، فعالان اقتصادی و تولیدکنندگان پوشیده نیست. در کشور معمولاً نرخ ارز بدون توجه به تورم سالانه، برای چند سال به صورت دستوری، حول و حوش یک عدد، ثابت نگه داشته می‌شود. اما از آنجا که بارها ثابت شده شاخص‌های اقتصادی، دستورپذیر نیستند، قیمت دلار نیز اثرات سرکوب‌انباشته در طی چند سال را در یک مقطع زمانی خاص، با جهش ناگهانی نشان می‌دهد.

## گزارش

## وزیر برای تامین «بطری» آستین بالازد

علاوه بر این با توجه به مشکل اساسی به وجود آمده در زمینه تامین بطری آب معدنی و آشامیدنی، ماء‌الشعیر و مالت، نوشابه، لبنیات، روغن نباتی و مواد شوینده و بهداشتی تولیدکنندگان تشکیل‌های مربوطه قصد دارند با ارائه پیشنهادی به وزیر صنعت، معدن و تجارت مشکل به وجود آمده در زمینه کمبود و گرانی مواد اولیه را حل نمایند.

در این پیشنهاد قرار است به جای حضور تولیدکنندگان پرفورم در بورس، تولیدکنندگان نهایی وارد بورس شوند و مواد اولیه خود را از این محل خریداری کنند و در ازای عقد قراردادها، اجرتی در اختیار تولیدکنندگان پرفورم بگذارند تا آنها مواد اولیه بطری را به پرفورم تبدیل کرده و در اختیار تولیدکنندگان صنایع مربوطه قرار دهند. از ابتدای سال جاری کمبود و گرانی بطری برای بسته‌بندی مواد صنایع غذایی اعم از آب معدنی و آشامیدنی، روغن نباتی، لبنیات، نوشابه و ماء‌الشعیر، مواد شوینده و... در دست‌ساز شده است و علیرغم یک مرتبه نامه‌نگاری از سوی مسئولان وزارت صنعت، معدن و تجارت اما کماکان هیچ گونه اتفاقی در راستای حل بحران و مشکل پیش آمده برای صنایع وابسته به بطری رخ نداده و افزایش قیمت هر کیلوگرم پت (PET) از حدود ۴۰۰۰ به حدود ۲۲ هزار تومان نسبت به مدت مشابه سال گذشته، باعث شد تا برای دومین بار، نامه‌نگاری در دستور کار مسئولان این‌وزار تخته‌قرار گیرد، که علی‌رغم صدور دستورهای مربوطه



مینی بر ممنوعیت صادرات مواد اولیه بطری تنها درصد از مشکلات تولیدکنندگان حل شود و عمده مسائل آن‌ها مینی بر گرانی و کمبود مواد اولیه پارچه‌ها باشد. هر چند ممنوعیت صادرات مواد اولیه بطری تا حدی کارگشا بود، اما به طور حتم مقابله با سودجویان و واسطه‌گرانی که مواد اولیه

بطری را به قیمت پایین خریداری کرده و با عرضه محدود آن به صورت نقدفروشی و با بیش از سه برابر قیمت واقعی به تولیدکنندگان صنایع مربوطه می‌فروشد مهم‌ترین مسئله‌ای است که باید وزارت صنعت، معدن و تجارت در راستای ریشه کن کردن آن اقدام کند.